

خاش و گلبرگهای خاش

معبود حسینی

انتشارات دامون

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
رده های کنگره
دبندی یوبی
شماره کتابشناسی ملی

حسیبی، معبود
خاش و گلبرگهای خشخاش / معبود حسیبی
تهران: دامون ۱۳۹۵
۲۴۲ ص.
۴-۳۸-۲۷۱۴-۹۶۴-۹۷۸
فیفا
داستان های فارسی - قرن ۱۴ - خاش - داستان
۱۳۹۵ خ ۸۳۶۵ س/ ۸۳۴۱ PIR
۸ فا ۳/۶۲
۴۳۷۶۰۲۴ ملی

خاش و گلبرگهای خشخاش

نوشته ی: معبود حسیبی

نوبت چاپ و تاریخ: اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰ جلد

چاپ و صحافی: فرسیما

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

انتشارات دامون تلفاکس: ۸۸۷۲۳۹۳۹ - ۸۸۷۲۲۶۶۵ - ۸۸۷۲۳۹۱ / ۱۶۳۹۱
آدرس: تهران، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی، میدان فرهنگ، خیابان رسالت، نبش خیابان
آماج، پلاک ۲۱، طبقه همکف واحد ۲
پست الکترونیک: roshangaran68@gmail.com

مراکز پخش و فروش: ۱- شبکه پستی و سایت تلفن: ۸۸۷۱۶۳۹۱ - ۸۸۷۲۳۹۳۶

۲- پخش ققنوس: تلفن ۴۳ الی ۶۶۴۰۸۶۴۰

۳- پخش گزیده: تلفن ۶۶۴۰۰۹۸۷

۴- پخش گسترش: تلفن ۷۷۳۵۰۹۷۰

۴-۳۸-۲۷۱۴-۹۶۴-۹۷۸

شابک:

4-38-2714-964-978

سخنی با خواننده

درباره‌ی جایگاه مدام خواندن هنگامی که در سال نو، هم میلادی ایگناز ساملوایز^۱ پزشک مجارستانی (۱۸۱۸-۱۸۶۵م) علت متنازع شدن زنان، به ویژه خانم‌های باردار پس از وضع حمل و همچنین نوزادان با تب و عفونت‌های میکروبی در برخی از محیط‌های بیمارستانی و سایر جاها را به خاطر خوب نشستن دست‌ها به شیوه‌ی استاندارد و عدم استفاده‌ی پزشکان و دیگر افراد کادر درمانی، خصوصاً ماماها از دستکش هنگام کار می‌دانست. افراد بسیاری، اظهارات او را رد کردند و آنها را مضحک می‌پنداشتند و حتی برخی از پزشکان تنگ‌نظر آن دوران، طرح چنین موضوعی را توهین نسبت به خود می‌دانستند؛ تا آنجا که لجاجت آنها از سویی و پافشاری‌های سرسختانه‌ی ساملوایز از سوی دیگر، موجب اخراج او از بیمارستان محل کارش در وین شد. ولی آزمایش‌ها و تحقیقات سال‌های بعد و پایین آمدن درصد مرگ و میر مادران و کودکان تا سی و پنج درصد در پی رعایت موارد بهداشتی مورد اشاره‌ی ساملوایز از جمله شستشوی دست‌ها با محلول و ترکیبات پودر گُلر، نظریات او را بیشتر مورد توجه قرار داد تا آنجا که

1. Ignaz Semmelweis

2. Puerperal fever

بعدها حتی به او لقب "نجات‌بخش مادران" دادند. اما تا قبول کامل گفته‌هایش زمان زیادی سپری شد و تنها پس از مرگ او در سال ۱۸۶۵ میلادی و در پی تأیید تئوری میکربی و اهمیت متدهای آنتی‌سپسی (میکروب‌زدایی و ضد باکتری) توسط دانشمند فرانسوی "لوئیس (لویی) پاستور" (۱۸۹۵-۱۸۲۲) و سایر اساتید، همچون پزشک انگلیسی "ژوزف لیستر" (۱۹۱۲-۱۸۲۱)، سرانجام همه به درستی نظریه‌ی دکتر ساول پی بردند.

بیان این مطلب، بدین‌معنی نیست که تا قرن نوزدهم میلادی کسی هرگز با موضوع بهداشت بهداشتی آشنایی نداشت و شستشوی دست‌ها را نمی‌دانست. یا هیچ اقدامی در این زمینه انجام نگرفته بود؛ بلکه در مقطعی از زمان، بی‌توجهی به آموزش مداوم عمومی و سطحی‌گرایی، مانع رعایت برخی تدابیر، ظاهر ساده‌ی بهداشتی همچون شستشوی درست دست‌ها و عدم استفاده از دستکش شده بود و نتیجه‌ی این سستی، به ویژه از سوی برخی از اعضای کارپه‌ایستانی، بروز عفونت‌های مرگبار را در پی داشت.

یادآوری موضوعی که دکتر ساول برای اجرایی شدن آن تلاش بسیار کرد، نمونه‌ای بارز از اهمیت نیاز به آموزش مداوم، خواندن، مطالعه و تحقیق و همچنین پافشاری بر این اصل است که همه، پیکره‌ی جامعه باید به طور روزمره تحت مراقبت و مواظبت باشد؛ درست مانند کودکی که نیاز به نگهداری، تربیت و آموزش مداوم دارد تا بتواند با دین عیب و نقص، سیر رشد و تکامل را در همه‌ی ابعاد سپری کند. حال اگر کودک را در بدو تولد از مادر و محیط خانواده جدا کرده، به جنگلی دور منتقل کنند و شرایط به گونه‌ای باشد که او نتواند صحبت کردن دیگران را بشنود، صداها و حروف را بیاموزد و با دیگر هم‌نوعان خود ارتباط برقرار کند؛ با

1. Saviour of mother

2. Louis Pasteur

3. Lord Joseph Lister

این که دارای اندام‌های رشد کرده از جمله مغز، زبان و حنجره‌ی سالم است، اما برای حرف زدن دچار مشکلات بسیار خواهد شد! در حالی که پدر، مادر و نسل‌های پیش از او با چنین مسئله‌ای رویه‌رو نبوده‌اند و اگر همین کودک در آینده صاحب فرزندان‌ی شود که در ارتباط با هموعان خود قرار گیرند و در شرایطی طبیعی پرورش یابند، آنها نیز زبان به سخن می‌گشایند. در این میان، فقط کودک فرضی ما که در مقطعی از زمان در جنگل منزوی بوده و سیر طبیعی و آموزش مداوم را طی نکرده است، از موهبت بزرگ حرف زدن محروم مانده است.

باید توجه داشت که سایر زمینه‌ها و بخش‌های گوناگون جامعه نیز از همین جنس می‌باشند. گرچه یادآوری گذشته‌ی تاریخی، تمدن کهن و بزرگداشت اسطوره‌ها و مشاهیر برای تشویق و ترغیب نسل‌های آینده دارای اهمیت است، ولی هم‌زمان زندگی حال خود را فقط بر پایه‌ی آنچه از نیاکان بر جا مانده، بنا کرد، به افتخاراتی که آنها کسب کرده‌اند، دل خوش کرد.

از آنجا که تاریخ، تمدن و فرهنگ دائماً در حال تحول و تکامل و پویا هستند و اندکی توقف در این حرکت خطا برآمده فراموشی سپردن آموزش مداوم، موجب وارد آمدن آسیب‌های شدید و بی‌فایده‌ی فلج‌کننده بر آنها خواهد شد؛ بنابراین، روشن است که اگر مردمی حتی با فرهنگ و تاریخی غنی، برای دوره‌ای کوتاه از امور تربیتی غافل بمانند بی‌تردید باید جزای این بی‌توجه‌ای خویش را پرداخت کنند و خود را برای آینده و پذیرفتن نسل‌هایی با ناهنجاری‌های فرهنگی و غیره آماده کنند. و این جاست که نقش مهم "خواندن" پدیدار می‌شود، چرا که در عرصه‌ی آموزش، امر خواندن در درجه‌ی اول اهمیت قرار می‌گیرد و بی‌تردید پرداختن به این اصل مهم، از ستون‌های اساسی کار به شمار می‌رود.

خواندن، موضوعی صرفاً شخصی نیست و از آنجا که تمام اعضای جامعه را در ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هرگز نمی‌توان حسی را که خواندن به ما می‌دهد با سایر لذت‌ها

همچون خوردن، نوشیدن و غیره مقایسه کرد. جنس آن متفاوت است و بازتابش بسیار گسترده‌تر. تأثیر و هیجانی را که خواندن در درون ما بر جا می‌گذارد، نمی‌توان با دیگر عوامل اثربخش و انگیزشی مقایسه کرد؛ چرا که این توان را دارد تا در نگرش، برخورد با مسایل، تصمیم‌گیری‌ها و همه‌ی ابعاد زندگی ما تغییرات بنیادین پدید آورد. خواندن همچون عینکی است که فردی کم‌بینا به چشم می‌گذارد تا به کمک آن دنیای پیرامون خود را بهتر ببیند، با واقعیت‌های ناشناخته آشنا شده، موفق به درک مفاهیمی شود که تا قبل از آن هیچ‌گونه تصویر درستی از آنها نداشته است.

از آنجمله که بخواندن از روی سنگ نبشته و لوح، ورق‌هایی از پوست و چرم، پاپیروس و سایر کاغذها و به روش‌های گوناگون تجربه شده و در زندگی امروزی راه خود را بر صفحات دیجیتالی باز کرده است؛ تردیدی نیست که همه‌ی این ابزارها، به شرطی که به معنای واقعی کلمه در خدمت خواندن قرار گیرند، با بهره‌ری مناسب، برای برآورده شدن هدف اصلی یعنی، تأثیرگذاری بر خواننده کمک‌کننده می‌باشند. بنابراین، در ساختار جامعه‌ی امروزی باید بیش از پیش مراقب بود و این تصور که با بسنده کردن سطحی، به یکسری علائم و شکلک‌های نقش بسته بر صفحه‌ای لمسی، می‌توان نیازهای بزرگ فرهنگی را سر و سامان داد و آن را جانشین رویکرد مهمی چون خواندن کرد، استناد به نظر می‌رسد؛ چرا که در همه‌ی این روش‌ها اهمیت دادن به نفس خواننده و توجهی عمیق به محتوا باعث شده است تا این پروژه‌ی گسترده ثبت و چند بعدی را از تبدیل شدن به امری گذرا و سطحی باز دارد و ما را از نتیجه‌ی نگاه کردن به عمق مطالب و موضوعات بهره‌مند کند.

تردیدی نیست که خواندن در زمره‌ی پسندیده‌ترین عادت‌ها به شمار می‌رود. پس، چه بهتر که افراد جامعه را از کودکی با آن آشنا کنیم و به منظور پاسداری از ارزش‌های فرهنگی دیرینه و کنونی و پیشرفت مداوم برای درک بهتر این ارزش‌ها و ارتقای آنها تا هر اندازه که در توان داریم راه‌های درست گرایش به مطالعه‌ی مفید را به آنان نشان دهیم.

خواندن مهم است؛ چرا که به ما فرصت می‌دهد تا همراه نویسنده، با او سفر کنیم. با سرزمین‌های ناشناخته و هر آنچه او دیده، آشنا شویم و تمام هیجانی را که تجربه کرده است، در وجود خود احساس کنیم.

خواندن فرایندی است که از طریق ایجاد ارتباط دایم بین مغز، سلول‌های عصبی و درون ما از سویی و جهان بیرون از سوی دیگر، بر توان تفکر انسان می‌افزاید و زمینه‌ی خلاقیت را فراهم می‌کند. به اندیشه و آگاهی در وجود انسان جان می‌بخشد. روحیه‌ی انتقادی را در شخص القا می‌کند. تبادل نظر همگانی را با خود به همراه دارد و پایه‌ی موهبت بزرگ آزادی است و بویزدید در تلاشی برای گسترش این کار نیک خدایسندانه و اعتلای آن، سهم و اندیشه‌مند خواهد بود.

امید که کتاب حاضر، ذائقه‌ی خواندن این روزها شود!